

جنگ و فراخوان امکان دوستی

هم به موشک نیاز مندیم هم به مذاکره و گفت وگو با مردم

«دشمن» واقعیتهی در عرصه سیاست است. رویارویی با آن اما نیازمند «دوستی» است. این چنین است که سیاست عرصه رویارویی دوست و دشمن است. اما کدام دوستی و کدام دشمنی؟ دوستان در عرصه منازعات واقعی در صدد محو دشمنان هستند اما این نزاع در عرصه مفهومی نیز تداوم دارد. گاهی «دشمنی» چنان سنگین بار می شود که

جواد کاشی

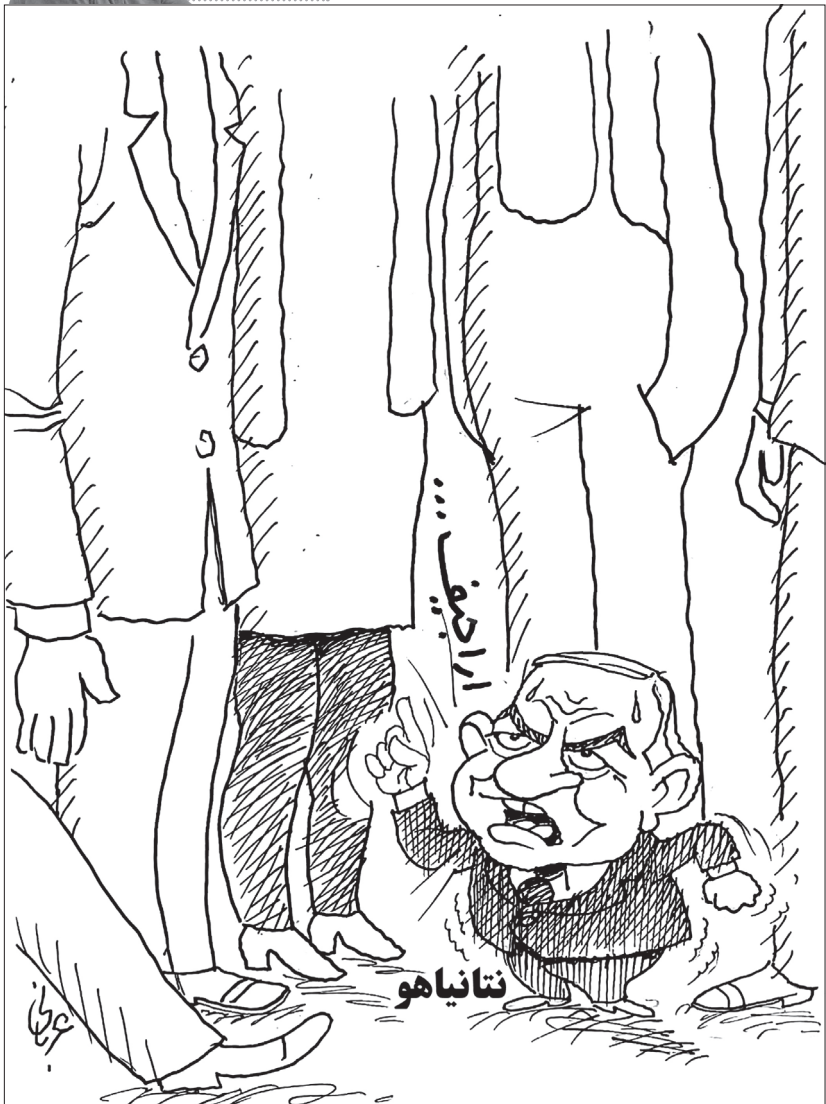
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه



«دوستی» را ممنوع می کند. گاه به عکس این «دوستی» است که ابتکار عمل را به دست دارد و «دشمنی» را به یک مفهوم توخالی و بی بنیاد بدل می سازد. میراث باقی مانده از دوران جنگ ایران و عراق از سنخ دشمنی سنگین بار بود. نزدیک به چهار دهه از پایان آن جنگ می گذرد. در این سه دهه، دشمن و مصادیق آن، به اختاپوس خطرناکی تبدیل شد که همه جا حاضر است و همه کس و همه چیز می توانست به طور بالقوه مصادیق و مظهر آن باشد. آن میراث کار خود را کرد. ما در ضمن تجاوز اسرائیل به ایران یکباره متوجه می شویم که چگونه دشمن واقعیتهی است که در همه جا و همه چیز می تواند مصادیق پیدا کند. اینک با کثرت متنوع دشمنان مواجهیم. از خود و دیگران می پرسیم دوست حقیقی ما کیست. این اتفاق هم در عرصه سیاست بین الملل ما مصادیق دارد. هم در عرصه داخلی ما. تجاوز اسرائیل خود حاصل توخالی شدن مفهوم «دوستی» است. هنگامی که دوستی بی مصادیق می شود و معنای حقیقی خود را از دست می دهد، دوستان حقیقی نیز دشمن نمی شوند. آنگاه آنکه دشمن است، میدان را همیای دشمنی حداکثری خود می یابد. در عرصه مفهومی راه هایی از این وضعیت خطرناک فر به گردن مفهوم و مصادیق دوستی است. باید دوستی ابتکار عمل را به دست بگیرد. اما چگونه؟ در عرصه سیاست دوستی همان معنایی را ندارد که در عرصه خصوصی از آن سخن گفته می شود. دوست عرصه سیاست همان یار گرمابه و گلستان و بچه محله های قدیم نیست؛ از آن سنخ دوستی ها که بر معرفت و وفاداری های پایدار استوار است. دوستی عرصه سیاست با اتلاف موقت در مقابل دشمن آغاز می شود و ممکن است به تدریج عمق بیشتری پیدا کند. بگذارید مراحل عمق یابی دوستی را در عرصه سیاسی مرور کنیم. **مرحله نخست:** دوست در وهله نخست هر آن کسی است که در اضطرار سیاست گرهی بگشاید. این سطح از دوستی هر آن ممکن است جابه جا شود. آنکه امروز دوست است، ممکن است فردا نباشد. این الگو از دوستی کردن، با نیرنگ به معنای شریف عرصه سیاسی در ربط و نسبت است. در میدان سیاست هر آنچه منافع یا خیر عمومی مردمان را تامین کند، شریف است، حتی اگر از سنخ دروغ و نیرنگ باشد. این درسی است که ماکیاوولی در عرصه سیاست داد. **مرحله دوم:** دوست هر آن کسی است که تداوم هستی اش به هستی یک ملت، یک کشور و حتی یک نظام سیاسی وابسته باشد. این سطح دوستی در عرصه بین الملل یک معنا دارد و در عرصه داخلی یک معنا. در عرصه بین الملل جنگی که اینک در گرفته، منافع و حتی هستی سیاسی بسیاری از کشورهای منطقه را در معرض خطر قرار داده است. آنها در شرایط فعلی دوستان ما هستند. اما در عرصه داخلی بحث متفاوتی در میان است. در عرصه داخلی بخش مهمی از هست و نیست منتقدان و اپوزیسیون داخلی با هست و نیست نظام همزاد است. آنها در شمار دوستان اند. این سطح از دوستی از سطح ماکیاوولی دوستی کردن فراتر است. آنها که به معنای سیاسی کلمه دوستانی هستند که دشمن تلقی شده اند و امروز به دید گرفتن شان، توجه به قلمرو مغفول دوستی است. اگر امروز دشمنی چندان فر به شده که معنای دوستی را مستهلک کرده، دلیلی جز آن ندارد که نظام مستقر دوستی را با ارادت سالاری یکی گرفته بود و همه دوستان واقعی را که دوست اند اما نه الزاماً ارادتمند، حذف و طرد کرده اند. **مرحله سوم:** دوستی در مرحله سوم به شرط پذیرش یک اصل امکان پذیر است: سیاست در قلمرو عمومی با حضور نیروهای متکثر متولد می شود. سیاست عرصه تنازع و رقابت است. سیاست هنگامی رخ نشان می دهد که همه صداها به مثابه صدا های معتبر و مشروع پذیرفته شوند. آنگاه رقابت میان این صدا های متفاوت، از وضعیت طردی برای اثبات دیگری، به مسابقه برای بیشترین امکان خیر و نفع عمومی تبدیل می شود. همه پلیدی جنگ امروز حاصل استهلاک تام و تمام دوستی در صحنه سیاست ایرانی است. دوستی، امروز بزرگترین امکان مقاومت به معنای عمیق کلمه است. این مردم اند که فاعلان اصلی احیای معنای دوستی اند. هر آنچه در روزهای شگفت آموزشی موتور انتظار برای کینه تنوری را روشن کند، سقف های زندگی را سیاه و آفاق های فردا را ترس آور می کند. اما نظام سیاسی نیز باید از خود تاریخی اش عقب بنشیند. هنوز باب گفت وگو و مذاکره با مردم و نیروهای سیاسی گشوده است. باید ابتدا به خطاهای خود اعتراف کند و به سهم دیگران در گذر از این گذرگاه خطرناک توجه کند؛ به خصوص که واقعیت های میدان جنگ نشان می دهد که بمب و موشک موثر است اما تمام کننده نیست.

سمفونی خطوط

احمد عربانی



عکس: آرش خاموشی، هم میهن

محتاط اما بازگویی واقعیت

گزارشی درباره دیدگاه های مردم آلمان درباره حمله اسرائیل به خاک ایران

سپهر خرمی

خبرنگار گروه فرهنگ



«هم دلی» واژه ای است که حالا اکثریت قریب به اتفاق مردم دنیا با ایرانیان داخل و خارج ایران دارند. هم دلی نه به معنای دلسوزی یا حس ترحم، بلکه «همراهی» با جامعه ای که مورد ظلم و حمله نظامی رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. برای مردم اروپا سال هاست که «جنگ» واژه ای غریبه است و باید کمی زمان بگذرد تا آن ها چنین شرایطی را درک کنند اما حالا با فراگیر شدن اخبار حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران، مردمی که سال هاست با چنین کلمه ای غریبه بودند، با بهت و حیرت پیگیر اتفاقات خاورمیانه به خصوص ایران هستند.

در این گزارش علاوه بر بررسی رسانه های آلمانی، گفت وگویی با دو شهروند آلمانی و ترکیه ای که هر دو ساکن کشور آلمان هستند انجام دادیم تا نظرشان را درباره جنگ تحمیلی رخ داده بیشتر جویا شویم.

شهروندان آلمانی چه می گویند؟

طی سه روز اخیر با یکی از شهروندان آلمانی گفت وگو کردم که اتفاقاً سابقه سفر به کشور ایران را دارد. او قبل از سفر به ایران تصور می کرد آنچه برخی رسانه ها درمورد ایران می گویند حقیقت دارد اما وقتی به ایران و البته شهرهای مختلف کشورمان سفر کرد، دیدگاهش نه تنها نسبت به ایران تغییر کرد بلکه متوجه نگاه گزینشی رسانه ها به وضعیت زندگی و جامعه ایرانی شد. یورگن، شهروند آلمانی است که می گوید قبل از سفر به ایران تصور می کرد ایران کشوری بسته همانند کره شمالی است که هیچ رفت وآمدی در جریان نیست و مردم باید در یک ساعت مشخص بخوابند. یورگن تصور می کرد تردد در سطح شهر بسیار محدود است و خرید و فروش خودرو و خانه و... وجود ندارد. او بعد از سفر به ایران اما نظرش به طور کامل تغییر کرد: «واقعاً دیدگاه نادرستی از ایران داشتم و الان متوجه شدم برخی رسانه ها با سوءنیت درباره کشور شما صحبت می کنند. وقتی به بازار تهران رفتم، شلوغی آنجا و قدیمی بودن سازه های تاریخی آنجا نظرم را جلب کرد. رستوران های قدیمی و البته کیفیت بالای غذای ایرانی خیلی برای من که عاشق غذا هستم، هیجان انگیز بود». یورگن از حمله نظامی اسرائیل به ایران هم متاسف و البته نگران مردم ایران است: «وقتی اخبار این حمله نظامی را شنیدم، باور نمی کردم که چنین اتفاقی رخ داده است. آنچه می دانم ایران و اسرائیل اصلاً مرز مشترک ندارند. در ابتدا فکر کردم کشور دیگری به ایران حمله کرده که مرز مشترک دارد، اما وقتی دیدم اسرائیل چنین اقدامی کرده اصلاً برای من باورپذیر نبود که چرا باید چنین اتفاقی از سوی آنها رخ دهد. من آدم سیاسی ای نیستم اما از مناقشه دو دهه اخیر ایران و اسرائیل باخبر بودم اما دروغ چرا، تصور می کردم چون مرز مشترکی وجود ندارد، این دیالوگ طرفین همیشه به صورت مجازی پیش می رود اما تصور اشتباه بود و از اینک به کشور شما حمله شده، حس خوبی ندارم».

دنیز شهروند ترکیه ای - آلمانی است که بیش از ۳۲ سال است در آلمان زندگی می کند. نگاه ضداسرائیلی کاملاً در کلام او مشخص بود. دنیز معتقد است،

اسرائیل به قصد از بین بردن قدرت هسته ای و منطقه ای یک کشور مسلمان (ایران) وارد عمل شده است: «من سال هاست که عملکرد رژیم صهیونیستی را پیگیری می کنم. می دانم آنها از قدرت ایران و حتی کشور من (ترکیه) در منطقه هراس دارند، به همین دلیل است که چنین حمله ای رخ داده است. ما مسلمانیم و بابت حملاتی که به غزه از سوی اسرائیلی ها انجام شد، بسیار خشمگین هستیم. متأسفانه جامعه بین الملل نسبت به حملات اسرائیل به غزه، واکنش درستی نشان نداد تا نتیجه اش را امروز دوباره ببینیم. مگر می شود یک حکومت طی یک سال، دو بار به دو منطقه و یک کشور حمله کند و واکنشی از سوی جامعه جهانی رخ ندهد؟».

نشریات آلمانی؛ محتاط قلم می زنند

برخی نشریات آلمانی در خصوص آنچه طی یک هفته اخیر رخ داده، محتاط قلم می زنند. خبرنگار شبکه زد.دی.اف و اشپیگل آلمان با حضور در مناطق اسرائیلی، گزارش هایی را نسبت به پاسخ ایران و خرابی هایی که در مناطق اسرائیل نشین رخ داده، مخابره کردند. اشپیگل می گوید، اهداف اسرائیل، ترور فرماندهان نظامی و از بین بردن تأسیسات هسته ای ایران است. روز گذشته الکساندر برلین از خبرنگاران مشهور نشریه اشپیگل با حضور در شهر «تل آویو» در مورد خرابی های به بار آمده این شهر که حاصل برخورد موشک و راکت هایی از سوی ایران بود گزارشی منتشر کرد. الکساندر برلین در این گزارش به مخاطبان اشپیگل می گوید، به طور قطع این بزرگترین حمله ممکن به اسرائیل در ۸۰ سال اخیر است. مردم اسرائیل هراسان به دنبال حضور در پناهگاه هایشان هستند تا در امان این موشک های قدرتمند بمانند. از سوی دیگر، مجله اشپیگل روز گذشته جلد خود را به پاسخ پینگ پنگی ایران و اسرائیل اختصاص داد و نوشت: «جنگ اسرائیل و محاسبات ترامپ». در این گزارش اشپیگل سعی کرده با بی طرفی درباره آنچه در حال رخ دادن است، بنویسد: «پيامد حمله اسرائیل به ایران می تواند بار دیگر منطقه را به آشوب بکشد».

نشریه «rtlaktuell» که یکی از رسانه های معتبر آلمانی است نیز روز گذشته با کنایه به تصمیمات ترامپ خبری را منتشر کرد که نشان می دهد، درون خاک آمریکا نیز رویکردهای ترامپ با انتقادات شدید همراه شده است. این نشریه آلمانی در خصوص اثر هنری جدید در واشنگتن گزارشی نوشته که یک مجسمه، دستی طلایی را نشان می دهد که در حال له کردن تصویر سر مجسمه ای آزادی در نیویورک است. این هنرمند، پایین این مجسمه به انتقاد از ترامپ پرداخته و نوشته: «دیکتاتور تأیید شده است». این اثر می گوید، ترامپ دیکتاتوری است که می تواند با تصمیماتش یک قاره را نابود کند.

آنچه مشخص است به مرور صدای این جنگ تحمیلی بر کشور ایران، به کل دنیا مخابره شده و قابل تحریف نیست. حتی مردمان قاره ای که «جنگ» برایشان غیرقابل باور است، درک کردند که کشور حمله کننده کیست و کشور مدافع از مرزهایش کدام کشور است. نگاه رسانه های آلمانی که اغلب سعی می کنند نگاهی بی طرفانه به ماجرا داشته باشند، به سمتی رفته که رفتار سیاستمداران آمریکایی و اسرائیلی را نقد می کنند. شهروندان آلمانی با رصد شبکه های مجازی متوجه شدند، نباید اعتماد صددرصدی به برخی رسانه هایی داشت که بعضاً همه ی حقیقت را نمی گویند.